

سفرنامه

حکیم شاه خسرو

از روی نسخه

«رنولد نیکلسون»

ناصر خسرو، ۳۹۴ - ۴۸۱ ق.

[سفرنامه]

سفرنامه حکیم ناصر خسرو از روی نسخه "رنولد نیکلسون". - تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۱ ج (مفحه شمار گوناگون).

ISBN 964-346-184-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

واژه نامه.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

نمایه.

چاپ سوم.

۱. ایران -- سیر و سیاحت -- قرن ۴ق. ۲. مصر -- سیر و سیاحت -- قرن ۴ق. ۳. حجاز -- سیر و سیاحت -- قرن ۴ق. ۴. آسیای صغیر -- سیر و سیاحت -- قرن ۴ق. ۵. نشر فارسی -- قرن ۴ق. الف. نیکلسون، رینولد آلین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م. Nicholson, Reynold Allyn.
ب. ت. وان.

۹۵۵/۰۵۰۴۲

۹۵۵/۰۵۰۴۲

الف ۸۲

۸۲-۳۲۰۳۷

کتابخانه ملی ایران



دنیای کتاب

نام کتاب: سفرنامه حکیم ناصر خسرو

نوبت چاپ: اول

ناشر: دنیای کتاب

نویسنده: ناصر خسرو

به کوشش: علی اصغر عبد اللهی

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

تاریخ نشر: ۱۳۹۵

چاپ: دیجیتال

شابک: ۳-۱۸۴-۳۴۶-۹۶۴-۹۷۸ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

تهران، انقلاب خیابان دانشگاه خیابان وحید نظری پلاک ۵۵. واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۰۹۳۵۰ - ۶۶۴۶۷۳۹۴

مقدمه

حکیم ناصر خسرو که در ابتدای سفرنامه اسم خود را ابو معین [الدین] ناصر بن خسرو اختیار می‌نویسد یکی از پیشروان ادبیات فارسی و از جمله متکلمین و شعرای متقدم ایران است که شخص و آثار او به غایت شایان ذکر و تتبع می‌باشد. ولی جای خیلی افسوس است که تاکنون از طرف فضلا و نویسندگان ایرانی نه این که راجع به هویت و مصنفات او چیزی گفته‌اند آن‌ها را به درستی معرفی نماید نوشته نشده بلکه به واسطه بی‌جراتی و اهم‌کالکاری بعضی از صاحبان تذاکر شعرا حکایات و روایاتی افسانه‌مانند به شرح زندگانی او داخل شده است که به هیچوجه مقارن واقع نبوده و جویندگان حقایق را کفایت نمی‌دهد که سهل است بلکه آن‌ها را به راه نامستقیمی دلالت می‌نماید.

گرچه اخیراً به واسطه جمعی از علما و فضلاء مستشرقین فرنگی کیفیت زندگانی و همچنین بعضی از مصنفات ناصر خسرو به معرض

مداقه در آمده و تا یک اندازه هم حلاجی شده است^۱ ولی صرف نظر از این که تدقیقات و تتبعات ایشان در بعضی موارد با همدیگر مطابقت نداشته و خصوصاً بعضی نقاط هنوز به طور کامل به وضوح نپیوسته است، چون این مباحث همه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و آلمانی و غیره نوشته شده اند لذا برای فارسی زبانان که بیش از همه اولویت فهم و درک آنها را دارند فایده آنها به غایت محدوده و تنها منحصر به یک سرذمه قلیلی است که یک یا بیشتر از زبان های مذکور را بلد بوده و دارای ذوق عامی و ادبی می باشند.

ولی این اوقات که طبعه شریفه «کاوینی» که به واسطه هیئتی از منسوبین و هواخواهان علم و ادب در شهر برلین پایتخت دولت آلمان برای ترویج و احیای علوم و خصوصاً ادبیات فارسی تأسیس یافته و به نشر یک سلسله از مصنفات ناصر خسرو همت گماشته و ابتداءً به طبع سه کتاب از موسمی بیه که عبارت از «سفرنامه» و «روشنایی نامه» و «سعادتنامه» باشند مبادرت نموده است این بنده بی مقدار به امر و اشاره مؤسسين این مطبعه وادار بدان شدم که در موضوع شرح حال صاحب ترجمه و آنچه متعلق به اوست تدقیقی نموده و مختصری در این باب به رشته تحریر آورده رای از دباد

۱. از جمله استاد فاضل آقای «ادوارد برون - E. G. Browne» انگلیسی در کتاب موسوم به «تاریخ ادبیات ایران - Literary History of Persia» جلد ۲ صفحه ۲۲۲ - ۲۴۶ و علامه متوفی «هرمان اته - Hermann Ethé» آلمانی در کتاب موسوم به «اساس فقه اللغة ایرانی - Grundriss der Iranischen Philologie» جلد ۲ صفحه ۲۷۸ - ۲۸۲ شرحی به غایت مدققانه در خصوص شرح حال و آثار ناصر خسرو نوشته اند که خیلی جامع تر و مفصل تر از آن سایرین است هرکس بخواهد به کتاب های مذکور رجوع کند.

بصیرت خوانندگان به طور مقدمه به سفرنامه ناصر خسرو بپردازیم. گرچه من این مایه را ندارم و خود را به هیچوجه شایسته این کار سترگ نمی‌پندارم و خصوصاً وقت مساعد و فرصت کافی که برای تتبع و استقصاء و رجوع به مآخذ و تحرّی و ثائق و غور در دقائق این کار را درخور است برای بنده میسر و مقدور نیست ولی علاوه بر ضرورت امثال امر و تشویق و تشجیع دوستان عزیز دو چیز دیگر برآئیم و داشتیم که قدمی فراتر گذاشته و به اندازه وسع و اقتدار خویش در این مریخ کارکنم، یکی از آن دو؛ امید بسیار ضعیف یک خدمت ناچیز است نسبت به عالم علم و ادبیات فارسی، و دومی؛ در دست بودن قسمتی از مصنفات ناصر خسرو که عبارت از «سفرنامه» و «روشنائی نامه» و «سعادتنامه» و «زاد المسافرین» و یک مطالعه سطحی «دیوان اشعار» مومی الهیه که در این اواخر به یک وسیله مستحسنه نگارنده را اتفاق افتاد زیرا که چنین است هیچ چیز مانند مؤلفات خود صاحب ترجمه هویت و شایع زندگانی او را نمی‌تواند معرفی کرده و برای ما روشن نماید.

از تطویل بی لزوم و نقل بی فایده روایات بی اصل و اساس که در شرح زندگانی ناصر خسرو وارد آمده و تفصیل اختلافات نظری که در بعضی نقاط آن میانه فضیلائی فرهنگی موجود است حتی الامکان صرف نظر می‌نمایم و آنچه را که استاذ مومی الهیه و از آن جمله استاد فاضل ادوارد برون دامت توفیقانه و استاد «اته» نوشته و استقصاء نموده و در واقع نیز جامع‌ترین اثری از آنچه تا حال در خصوص ناصر خسرو نوشته شده است از خود به یادگار گذاشته و

ایرانیان رهین امتنان فرموده‌اند به مرتبه تالی می‌گذارم الا به استثناء که
تدقیقات و تبّعات فاضلانه ایشان را مستند قرار می‌دهم و گرنه در
کلیه استناد این سطور به آثار خود صاحب ترجمه است که نقداً در
دست می‌باشند و این است به یاری خدا شروع به مقصد می‌نمایم و
من الله التوفیق.



چنانکه مقدمه ذکر شد ناصر خسرو خودش در ابتدای سفرنامه
اسم خود را ابی‌معین [الدّین] ناصر بن خسرو القبادیانی المروزی
می‌نویسد، مشارالیه یکی از بزرگترین مفاخر ایرانیان و در عداد حکما
و شعرای درجه اول دوره بعد از تسلط اعراب به ایران می‌باشد،
اندازه تسلط و تبحر او را خلاصه در حکمت الّهیات کتاب موسوم به
زادالمسافرین او که چاپش در مطبعة کاویانی، قریب به اتمام است
برای ما روشن و مدلل می‌دارد. پایه بلندی که در شعر دارد هیچیک از
شعرا و سخن‌سرایان سلف را حاصل نبوده، بار و اسلوب بدیع و
ممتاز او که اختصاص به خود او دارد به هیچوجه تقلید به‌دار نیست و
از این روست که شاید می‌شود گفت دیوان اشعار ناصر خسرو را مانند
سایرین مخلوط نبوده و آن غیر بدان داخل نشده است.

نسب ناصر خسرو، این که می‌نویسند در هشتم پشت به امام علی
بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء می‌رسد مدلل نیست و
اضافت «علوی» در حق او که مشهور است پایه محکمی ندارد و خود
او هیچوقت به شرافت حسب و نسب خویش نمی‌بالد سهل است
بلکه خودش را مایه شرف و افتخار خانواده خود می‌شمارد چنانکه

در جایی خطاب به یکی از معارضین خود کرده گوید:

گر تو به تبار فخرداری من مفخر گوهر تبارم^۱

هم گوید:

من شرف و فخر آل خویش و تبارم گردگری را شرف به آل و تبار است^۲
و از تسی مثل ناصر خسرو که این همه اخلاص و ارادت نسبت به خانواده عصمت و طهارت دارد گمان نمی رود که خود منسوب به آن خانواده بوده و بعد خود را مفخر آن توصیف کند و بلکه او خود را «بنده ای از بنده» دانسته و عائدان رسول خدا^۳ می خواند و به دوستی و تبعیت خود به آن سرافراز می کند ولی به هیچوجه خود را ادنی نسبتی به آن ها نمی داند، علاوه بر این ناصر خسرو در اشعار خویش از آنجایی که دشمنان و معارضان زیاد داشته است اغلب به علم و فضل حتی مصنفات خود می باند و از آن جمله گوید:

رتصنیفات من «زاد المسافر» تصنیفات را اصل است و قانون

اگر برخاک افلاطون بخوانند ثنا بخواند و برخاک فلاتون^۴

ناصر خسرو، بنا به قول خود او که در ابتدای «سفرنامه» بدان اشارت می کند از قبادیان می باشد که قصبه ایست در حوالی مرو شاه جهان از توابع خراسان ولی با وجود این نمی شود حکم کرد که مسقط الرأس او مطلقاً قبادیان بوده است زیرا که سند قطعی در این باب در دست نداریم و در تصانیف او هم راجع به این مسئله صراحتی

۱. دیوان، صفحه ۲۰۸ چاپ تهران ظاهراً سنه ۱۳۱۴.

۲. دیوان، صفحه ۳۶ چاپ تهران.

۳. رجوع کنید به زادالمسافرین صفحه ۲۲۸ چاپ کاویانی.

۴. دیوان، صفحه ۳۳۷ چاپ تهران.

نیست، بعضی از علمای فرنگ و از آن جمله استاد «اته» برآنند که ناصر خسرو از بلخ بوده است^۱ و مبنای این عقیده گویا بر آن باشد که مومی الیه در بلخ سکنی داشته است، لیکن این بنده نتوانستم تصمیم قطعی در این باب بگیرم، به هر صورت خراسانی بودن او گویا محل تردید نباشد و بدین معنی در آثار و اشعار او صراحة و کنایه بسیار است از آن جمله در یک قصیده غزایی که مطلعش:

گشتن این مجسمه توفری گر نه همین خواهد گشت امپری
است گوید.

گرچه مرا اصل خراسان است از پس پیری و مهی و سری
دوستی عثرت و خانه رسو کرد مرا یمگی و مازندری
و نیز شکی نیست در این که سو و مان او در خراسان بوده و دوره جوانی و تحصیل خود را در آنجا گذرانده و پس از مراجعت از سفر مکه که مجبور به جلای وطن و ترک دار دربار خود گشته است خصوصاً هنگام انزوای خود در «یمگان» همیشه در تفرقت خراسان بی قرار بوده و در این معنی شعرهای مؤثر و غمناک سروده است که حاکی از شدت آرزو و اشتیاق او نسبت به خراسان می باشد از آن جمله است:

که پرسد زین غریب خوار محزون خراسان را که بی من حال تو چون
مرا باری^۲ دگر گونست احوال اگر تو نیستی بی من دگرگون^۳

۱. اساس فقه اللغة ایرانی ص ۲۷۸، Grundriss der Iranischen Philologie

S. 278

۳. دیوان، صفحه ۲۳۶، چاپ تهران.

۲. شاید: بی تو (۴).

همچنین:

بگذر ای باد دل افروز خراسانی بریکی مسانده بی گمان در زندان
اندوین تنگی بی راحت بنشسته خالی از نعمت و از صنعت دهقانی^۱
و نیز:

سام کن زمن ای باد مر خراسان را
مرا هل فضل و خرد را نه عام و نادان را^۲
مجدلاً، ناصر خسرو در سال سیصد و نود و چهار (۳۹۴) تولد یافته
چنانکه گویند
بگذشت ز هجرت پس سیصد و نود و چار

گذاشت مرا مادر بر مرکز اغبر^۳
و این تاریخ مطابقت تام دارد با تاریخ مسافرت او به طرف مکه در
ششم جمادی الآخره سال چهار صد و سی و هفت (۴۳۷) چنانکه در
جای دیگر از دیوان در قصیده مطوّل و در باب مطلع: ای خواننده بسی
علم و جهان گشته سراسر. شروع کرده و بابت و رف الذکر از تولد خود
گرفته و با تفصیل طوی مدارج سنّ تا رسیدن به - سدّ کمال و میل
درک حقایق که باعث مسافرت او شده و کیفیت پیدا کردن مرشد و
مراد خویش که بدون ذکر صریح نام او مثل سایر معانی قصیده مذکور
اغلب به رمز و کنایه می گذرد اشاره به خوابی که مبدأ انتباه او بوده و
کسی او را در عالم رؤیا و ادار به ترک خوردن شراب و جستجوی
حقیقت و مسافرت مکه نموده است^۴ کرده و می گوید:

۱. دیوان، صفحه ۳۰۹.

۲. دیوان، صفحه ۷.

۳. دیوان، صفحه ۱۳۴.

۴. رجوع کنید به سفرنامه صفحه ۳ چاپ کاویانی.

پیموده شد از گنبد بر من چهل و دو

جویای خرد گشت مرا نفس سخنور^۱

و این که در سفرنامه در این موقع می گوید: «با خود گفتم که از خواب دوشین بیدار شدم باید که از خواب چهل ساله نیز بیدار گردم» ظاهراً با عدد چهل خواسته است عدد کاملی بیان کند چنانکه معمول و متداول است که در این گونه موارد اغلب آحاد را انداخته و به ذکر عشرات و اعداد کامل اکتفا می کنند.

کیفیت تحصیل ناصر خسرو این که کجا و پیش که بوده است از تصانیف او درست استقرا می شود ولی از مطالعه «زادالمسافرین» معلوم می گردد که توغل زیاد با فلسفه داشته و اغلب کتب فلسفه یونانی را مثل سقراط و افلاطون و ارسطو و اقلیس و فلس و غیر هم با دقت تتبع نموده^۲ و خود «زادالمسافرین» که تقریباً شاهکار اوست می رساند که ید طولائی در فلسفه داشته و خرد از بزرگان فلسفه آن عصر به شمار می رفته و حکیم نامیده می شده است ولی در این که صحبت ابوعلی سینا^۳ را دریافته است درست محقق نیست^۴ همچنین در علوم هندسه و فلکیات به طوری که خواه از «سفرنامه» خواه از «زادالمسافرین» مستفاد می شود تبخری بسزا داشته است ولی در این دو موضوع اخیر کتابی از مومی الیه به نظر این بی مقدار تا به حال نرسیده است.

۱. دیوان، صفحه ۱۳۴.

۲. رجوع کنید به زادالمسافرین چاپ کاویانی صفحه ۲۵۴، ۲۵۸، ۳۱۸.

۳. ابوعلی - حسین بن عبدالله متولد ۳۷۰ متوفی ۴۲۸